

متن سخنرانی مهدی خانبابا تهرانی در مراسم یادبود بیستمین سالگرد ترور عبدالرحمن قاسملو در برابر پارلمان اروپا (بروکسل) - 13 ژوئیه 2009 برابر با 22 تیرماه 1388

خانم ها، آقایان، حضار محترم!

من، امروز به احترام دوست و هم‌رزم دیرینه ام دکتر عبدالرحمن قاسملو که بیست سال پیش در چنین روزی در وین، پایتخت اتریش همراه با عبدالله قادری آذر و فاضل رسول محمود سر میز مذاکره با نمایندگان جمهوری اسلامی ترور شدند، به اینجا آمده‌ام تا در مقابل پارلمان اروپا در حضور شما، فریاد دادخواهی‌ام را به گوش نمایندگان پارلمان اروپا برسانم.

قاسملو در سیزدهم ژوئیه 1989 در حالی ترور شد که بر اساس اعتقاد بر اصل گفتگو و مذاکره برای حل مسالمت آمیز مسئله کردستان به این ملاقات رفته بود. علی‌رغم مدارک غیر قابل انکار در هنگام ترور، دولت اتریش به پلیس و دستگاه قضایی این کشور اجازه اتمام تحقیقات و دادرسی پرونده را نداد. در نتیجه، این جنایت کم نظیر که در قلب یکی از کشورهای دموکراتیک اتحادیه اروپا به وقوع پیوست، بدون کیفر ماند.

پس از گذشت بیست سال از این رویداد، نیروهایی مترقی و دموکرات ایرانی بر این باورند که بازگشایی پرونده این جنایت ضرورتی بدیهی و امری امکان پذیر است. عدالت و انسانیات حکم می کند که حقیقت این واقعه با اتکا به مدارک به دست آمده در هنگام ترور و با توجه به شواهد تازه‌تری که بخشی از آنها حاکی از دست داشتن محمود احمدی نژاد در این جنایت است، از طریق منابع قانونی آشکار گردد.

اجرای عدالت در این خصوص تنها راه جبران بخشی از بی عدالتی است که 20 سال پیش در حق مردم کردستان و آزادی خواهان ایران صورت گرفته است. مسیر رویدادهای اخیر مبین این نکته است که چنین اقدامی گامی در جهت پیشبرد اهداف دموکراسی خواهانه در ایران و تقویت امنیت ملی در کشورهای اروپایی نیز خواهد بود.

از این روی، امضا کنندگان کمپین بازگشایی پرونده ترور دکتر قاسملو در اطلاعیه مورخ 25 ژوئن 2009، از دولت اتریش می‌خواهند که اقدامات مقتضی جهت بازگشایی و از سر گرفتن پی گیری قضایی این پرونده را انجام داده و زمینه رسیدن آن به نتیجه قطعی و عادلانه را فراهم آورد.

من به عنوان یکی از امضا کنندگان کمپین بازگشایی پرونده ترور قاسملو در اینجا از نمایندگان پارلمان اتحادیه اروپا در درجه نخست، و سپس از کلیه محافل و افراد علاقه‌مند به مسئله کردها و دموکراسی در ایران، و از همه حامیان صلح و آزادی و عدالت در جهان می‌خواهم که با امضای این اطلاعیه، از کمپین درخواست از سرگیری پرونده ترور قاسملو پشتیبانی به عمل آورند.

دکتر عبدالرحمن قاسملو دوست و هم‌رزم دیرینه ام، نه تنها رهبر فرهیخته جنبش ملی - دموکراتیک کردستان ایران بود، بلکه یکی از چهره های خردمند و واقع‌گرای سیاسی جنبش دموکراسی و آزادی خواهانه ایران به شمار می رود.

واقعیت این است، هنگامی که در شب سیزدهم ژوئیه 1989 دوستی از شهر وین خبر قتل قاسملو و یارانش را به من داد، زبانه بند آمده بود. زیرا نمی توانستم باور کنم که رحمان قاسملو، یار خوب و هم‌رزم دیرینه ام که از سال 1953 میلادی در راه آزادی و عدالت اجتماعی با او همراه بودم، به ناگهان با گلوله کین و با اسلوبي که سربازان گمنام امام زمان در دستگاه حجت السلام های خونخوار، زیر و بم آن را خوب آموخته‌اند، در خون نشسته و در کنارش عبدالله قادری آذر و فاضل رسول محمود.

آنشب تا سپیده‌دم ماتم گرفتم و در تمام طول شب، غرق در خاطرات دور و نزدیک دوستی‌ها، و فراق و نشیب‌های مبارزات مشترک گذشته‌مان بودم. من، که قاسملو را همیشه در برابر دیدگانم چون خدنگ ایستاده دیده بودم، نمی توانستم باور کنم که او دیگر در میان ما نخواهد بود. و از این پس همسر و فرزندان دلبندش و زنان و مردان دلیر کردستان، و رزمندگان جبهه آزادی ایران از فیض دیدار و دست توانمند و فکر خلاق و سازنده او در راهی که در پیش روی دارند، محروم خواهند ماند.

قاسملو حاصل نسلی بود که در تکاپوی ساختن جهانی شریف و کمال به هر دری می زد. او از هیچ تلاشی در راه تحقق آرمان والای انسانی، عدالت اجتماعی، آزادی و خودمختاری انسان‌ها فرو گذار نگرد و تا واپسین لحظات حیات پر بار خویش، لحظه‌ای از کار و کوشش در راستای رویای فناپذیر جهانی بهتر، باز نه‌ایستاد. قاسملو یکی از پرکارترین، خلاق‌ترین و جسورترین روشنفکران مستقل انقلابی زمانه خود در ایران و منطقه بود.

هم او بود که با کار شبانه روزی، در عرصه عمل و نظر از حزب دموکرات کردستان ایران یک نهاد سیاسی امروزی به وجود آورد. او که در محیطی نسبتاً عقب‌نگه‌داشته شده تلاش می ورزید، توانست با اشاعه اندیشه‌های سیاسی مدرن خود، حزب دموکرات کردستان را از پوسته سنتی و منطقه‌ای خود با تکیه بر نسل جوان به در آورد، و با تدوین سیاست‌های نوین، ساختاری دموکراتیک به حزب دهد و سیمای جدید سیاسی برای جنبش کردستان پدید آورد.

قاسملو شخصیتی بود که ایده‌های سوسیال‌دمکراسی را برای نخستین بار در کردستان دامن زد، و حزب دموکرات کردستان را وارد روابط بین‌المللی و نهاد انترناسیونال - سوسیالیسم کرد. و در پرتو سیاست‌های قاسملو بود که حزب دموکرات کردستان ایران به عنوان عضو ناظر در انترناسیونال - سوسیالیسم پذیرفته شد، و از آن پس به عنوان تنها عضو ناظر در کنگره‌های جهانی انترناسیونال سوسیالیسم شرکت داشت.

به دنبال این حرکت آگاهانه سیاسی بود که منجر به خروج حزب از یک دایره منطقه‌ای به نهاد شناخته شده جهانی شد. قاسملو طرح و حل مسئله کردستان را نیز در چهارچوب حل سیاسی مسئله دموکراسی در ایران به پیش نهاد، و با تدوین شعار دموکراسی برای ایران و خودمختاری برای کردستان، اولویت را به تحقق سیاست دموکراسی در ایران داد، و راه حل این مسئله را هم، در همگامی و پیوند با احزاب و سازمان‌های دموکراتیک سراسری کشور دانست. بر همین اساس سیاست ائتلافی بر اساس تشکیل جبهه متحد ملی ایران را دنبال کرد. و از این روی در راه تشکیل شورای ملی مقاومت نیز تلاش ورزید. و هنگامی که این شورا از مسیر سیاست ائتلافی ملی و دموکراتیک منحرف شد، حزب دموکرات کردستان ایران همراه با بسیاری از سازمان‌های چپ، و عناصر دموکرات عضو این شورا، این نهاد را ترک کرد.

در این فرصت کوتاه ناگزیرام فقط به سرخطهای سیاست های قاسملو که به باور من دست آوردها و به یک معنا ارثیه فرهنگی سیاسی او برای جنبش ملی دموکراتیک ایران و نسل جوان است، بپردازم.

شاید برای برخی از ناظرین سیاسی داخلی و خارجی باور کردنی نباشد که قاسملو، علی‌رغم آنکه در رهبری یک جنبش مسلحانه قرار داشت، اما اصولاً در سیاست ورزی خود، نخست به راه حل مسالمت آمیز می‌اندیشید. و در هر فرصتی برای حل مشکلات و مسایل سیاسی سعی می‌کرد تا کار را از طریق گفتگو در پشت میز مذاکره به سرانجام برساند. او همواره تاکید داشت چنانچه دولت مرکزی دست از سرکوب مسلحانه بردارد، حزب دموکرات کردستان ایران آماده است با دولت جمهوری اسلامی به گفتگو و مذاکره بنشینند. او تصریح می‌کرد: "ما هرگز خواهان اعمال قهر و توسل به سلاح نیستیم، و اگر به ما هجوم نظامی نمی‌برند، ما بعد از انقلاب ناگزیر نمی‌شدیم برای دفاع از خود، دست به مقاومت مسلحانه بزنیم." او بارها یاد آور می‌شد که؛ "راه حل دلخواه ما مذاکره و گفتگو است، نه مبارزه ی مسلحانه!" از این روی چندین بار به دولت مرکزی پیشنهاد آتش بس دو جانبه داده بود.

بد نیست در اینجا من به تجربه شخصی خودم که مربوط به میانجیگری میان حزب دموکرات کردستان و سازمان کومله کردستان ایران در جریان درگیری های نظامی میان این دو سازمان سیاسی شد، اشاره ای کنم. در آن زمان در اثر این درگیری های نظامی که منجر به کشته شدن ده ها تن از پیش‌مرگان دو طرف شده بود، من شخصا پس از گفتگو با قاسملو برای خاتمه بخشیدن به این برادر کشی، پا در میانی کردم. در اینجا می‌توانم شهادت دهم که پس از در میان گذاشتن مسئله آتش بس میان نیروهای نظامی دو سازمان، این وظیفه را به عهده داشتم تا با عبدالله مهدی دبیر کل سازمان کومله ملاقات کنم، و طرح پیشنهادی قاسملو را با وی در میان بگذارم. قاسملو پیشنهاد کرده بود؛ "کافی است، سازمان کومله طی اعلامیه ای به آگاهی مردم کردستان برساند، که پیش‌مرگان آن سازمان از این پس به سوی پیش‌مرگان حزب دمکرات آتش نخواهند گشود، و نیروی نظامی و آتش خود را به سوی دشمن مشترک نشانه خواهند رفت."

درست پس از صدور چنین اطلاعیه ای از طرف سازمان کومله بود، که آتش بس میان دو سازمان برقرار شد. با یادآوری این نکات می‌خواهم اشاره کنم که قاسملو علی‌رغم حضورش در رهبری یک سازمان مسلح کرد که ناگزیر از دفاع مسلحانه بود، در واقع انسانی مسالمت‌جو و صلح طلب بود، و همواره راه حل واقعی مسایل اجتماعی و سیاسی را گفتگو می‌دانست. بر اساس چنین اندیشه ای بود که تا پای مرگ در جستجوی حل مسالمت آمیز مسایل کردستان تلاش کرد تا جایی که در این راه، جان عزیز خود را فدا کرد. و ارتجاع مذهبی با سوء استفاده از احساس انسانی و مدنی این مرد بزرگ، دست به جنایتی زد که در تاریخ سیاسی ایران هرگز از یاد نخواهد رفت. و چون لکه ننگی تا ابد بر دامان نظام ولایت مطلقه فقیه باقی خواهد ماند.

استبداد مذهبی حاکم بر ایران، بیهوده تصور می‌کرد که با قتل قاسملوها خواهد توانست حرکت نسل جوان کشور را به سوی آزادی، ترقی و رهایی از استبداد، مسدود کند. اما حرکت غرور برانگیز مردم ایران به ویژه نسل جوان در خردادماه امسال، به باور من ترجمانی از اثر بخشی اندیشه های واقع گرایانه سیاسی-مدنی چهره های درخشانی چون قاسملو در فرهنگ سیاسی جامعه ایرانی و در میان نسل جوان میهن ما است. روی‌گرد نسل جوان به راه و روش مسالمت آمیز و مدنی در پیکار اجتماعی از یکسوی و همبستگی نیروهای گوناگون سیاسی در بستر حرکتی هماهنگ برای اسقرار حاکمیت مردم با شعار "نترسیم، نترسیم؛ ما همه باهم هستیم!!" از دیگر سوی، در این ده روزی که جهان را تکان داد، نشانه‌هایی از رشد باورهای سیاسی قاسملوها در چشم انداز سیاسی ایران دارد. یادش گرامی و راهش پر رهرو باد.